

گفت‌وگو
آزاده‌سادات عطار

توسعه بندر چابهار در گفت‌وگو با مدیر کل آسیای جنوبی وزارت خارجه

چابهار و گوادر رقیب هم نیستند



محمدسیدی سالیانی بونول

سفر سیدابراهیم رئیسی و هیئت همراه با حضور حسین امیرعبداللّه‌ایان به پاکستان و سرریلانکا که با دعوت رسمی رؤسای جمهوری دو کشور و در بازه زمانی سوم تا پنجم اردیبهشت صورت گرفت، به زعم کارشناسان در زمانی خوب و با دست‌نخور کار مناسب انجام شد. رئیس‌جمهور ایران نخستین فرد در این سطح سیاسی بود که به دنبال شکل‌گیری دولت جدید، راهی پاکستان شد و به زعم شخص آقای رئیسی، ملاقات با مقامات پاکستان در راستای سیاست همسایگی و توسعه روابط با کشورهای اسلامی و همسور صورت گرفت، به خصوص که ایران و پاکستان در زمینه حقوق بشر، دفاع از مردم مظلوم فلسطین و مبارزه با تروریسم دیدگاه‌های مشترکی دارند. پس از تنش زمستان گذشته میان تهران - اسلام‌آباد، اهمیت حضور رئیسی در پاکستان فرودچنان شد. همچنین لاهور و کراچی به عنوان مراکز فرهنگی و اقتصادی پاکستان در سفر رئیس‌جمهور ایران به پاکستان مورد توجه قرار گرفتند و حضور او به همراه مقامات ارشد و هیئت بزرگ تجاری در این دو شهر، مهر تأییدی بود بر اهمیت قربت فرهنگی میان دو کشور، ضمن اینکه تمایل برای همکاری‌های هر چه بیشتر در زمینه‌های یادشده را آشکار کرد. در ادامه و حضور در سرریلانکا هم نگاه به آسیا در قالب سیاست خارجی ایران را نشان داد. با این حال برخی ابعاد آینده روابط ایران با پاکستان و سرریلانکا و پیامدهای این سفر همچنان روشن نشده است. سیدرسول موسوی، دستیار وزیر و مدیر کل آسیای جنوبی وزارت امور خارجه درباره این نقاط مهم، دستاوردهای این سفر و چشم‌انداز آینده روابط تهران با اسلام‌آباد و کلمبو با «جوان» به گفت‌وگو نشست.



درباره سفر رئیس‌جمهور حواشی مختلفی مطرح شده، از جمله اینکه امریکادر این سفر کارشنکی کرده است تا جایی که این موضوع در استقبال از آقای رئیسی هم منعکس شد. گروه تروریستی صحابه پاکستان هم گویا به این سفر واکنش‌هایی نشان داده بود، این موارد تا چه حد جدی بودند؟ اولین نکته‌ای که خوب است به آن توجه شود، پروتکل سفر در پاکستان و سرریلانکا است. این سفر در مباحث رسمی و تعریف‌شده پروتکلی، در اعلی‌ترین سطح ممکن بود. هر کسی حرف دیگری می‌گوید، نه پروتکل را می‌شناسد و نه مبانی تعریف‌شده را. هر دولتی برای خود پروتکل تعریف‌شده‌ای بر حسب سفرهای رسمی یا کاری خود دارد که سفر آقای رئیسی به پاکستان و سرریلانکا هر دو در بالاترین سطح بود. طبق پروتکل تعریف‌شده، در پاکستان، وزیر کابینه از آقای رئیسی استقبال کرد و به همراه او به محل اقامت رفت. وزیر خارجه پاکستان هم به محل اقامت رفت و خوشامد گفت و طبق پروتکل در بالاترین سطح در محل کاخ نخست‌وزیری از طریق گارد احترام، مراسم استقبال به عمل آمد. میهمانی رسمی نخست‌وزیر، میهمانی رسمی رئیس‌جمهور و تمام تشریفات در لاهور و کراچی به طور کامل انجام شد. در سفر پنج‌سال پیش آقای عمران خان به تهران هم شبیه این برنامه‌ها بر اساس پروتکل ما انجام شد که طبق پروتکل ما، مراسم استقبال کرد و کاخ سعدآباد و در پاکستان طبق پروتکل رسمی در محل نخست‌وزیری انجام می‌شود. عده‌ای که پروتکل را نمی‌شناسند، مراسم ورود به فرودگاه را صرفاً مراسم استقبال می‌دانند.

در سرریلانکا چطور؟ استقبال آنجا هم مناسب بود؟

در این کشور هم به همین طریق، در بالاترین سطح انجام شد، البته سفر آقای رئیسی به سرریلانکا یک تفاوت داشت، چون رئیس‌جمهور برای افتتاح پروژه اوماوا یا به شهر دیگری در کلمبو و به شهر مالاوارا شد، بنابراین در این شهر استقبال ورود صورت گرفت، اما بعد که وارد پایتخت شد، مراسم رسمی در کاخ ریاست جمهوری سرریلانکا به عمل آمد. کسانی که به حواشی می‌پردازند یا مسائل را نمی‌دانند یا آگاهانه تمایل دارند حرف‌های حساب‌شده بزنند.

آیا آنطور که گفته شده، این سفر مخالفانی داشت؟

بله. بدون نام‌بردن از کشور خاصی، رقیب‌های منطقه‌ای یا گروه‌های تروریستی و حتی بعضاً مجموعه‌هایی از کسانی که مصالح را برخی اوقات تشخیص نمی‌دهند، با این سفر مخالف بودند که در رأس آن‌ها رژیم‌صهیونیستی بود که در سرریلانکا تحركات ویژه‌ای داشت. اخباری که در سرریلانکا و پاکستان منتشر شد، نشان‌دهنده تحرك بعضی از کشورهای بود و نوعی ابراز ناراضی. خواسته‌ای که در بی‌طرفی آن در پاکستان بودند به یک شکل و خواسته‌ای که در سرریلانکا دنبال آن بودند به شکلی دیگر بود.

این موضوع را بیشتر توضیح دهید.

در رسانه‌های سرریلانکا به صراحت آمد که سفیر امریکا در خواست تعویق این سفر را داده و سفیر رژیم‌صهیونیستی مصالحه برخی اوقات تشخیص نمی‌دهند، با این سفر مخالف بودند که در سرریلانکا به این شکل مطرح کردند که یک مقام امریکایی گفته این کشور مخالف کشیده شدن خط لوله است، چون می‌دانستند در این سفر یکی از مباحث جدی، خط لوله گاز خواهد بود. بحث تهدید تروریستی به هر حال مطرح است، به خصوص در پاکستان با وضعیت خاصی رویه‌رو هستیم و دولت این کشور به جهت مسائل امنیتی مجبور بود بعضاً سلسله‌استقبالات مردمی را که در سایر مقامات ما بوده است، این بار فاکتور بگیرد. این تهدید هم نمی‌دانم از جانب سپاه صحابه بود یا جای دیگر، اما مقامات امنیتی دو کشور از آن مطلع شده بودند. وجود این تهدید در برخی برنامه‌های عمومی و مردمی رئیس‌جمهور اثر داشت اما به برنامه‌های رسمی لطمه وارد نکرد.

به موضوع خط لوله گاز اشاره کردید و موضع‌گیری‌های امریکایی‌ها. آیا اجرائی نشدن آن صرفاً به دلیل مخالفت امریکایی‌هاست؟

مخالفت مفهومی سیاسی است که دولت پاکستان به صراحت اعلام کرده است این مخالفت در عملکرد ما تأثیرگذار نیست.

در عمل چطور؟

واقعیتی وجود دارد و آن تحریم‌های ثانویه است، به این معنی که امریکادر حقیقت ایران را تحریم نکرده بلکه هر کسی را که بخواهد با ایران کار کند، تحریم کرده است. در ایران تحریم‌ها به دلایلی مدیریت شده است تا اقتصاد ایران به زعم تحریم‌ها بتواند به کار خود ادامه دهد، اما این مدیریت در کشورهای دیگر لزوماً وجود ندارد، چون امریکا تحریم‌ها را بر آن کشورها تحمیل می‌کند و آنها ساختار مدیریت تحریم را ندارند، بنابراین امریکا فقط مخالفت سیاسی ندارد، خیلی صریح اعلام می‌کند که اگر شما از ایران نفتی وارد کنید یا کاری انجام شود که به معنای همکاری در بخش انرژی ایران است، شما را تحریم می‌کنیم. پاکستانی‌ها الان چند راهکار دارند از جمله اینکه همانطور که ایران به عراق و ترکیه گاز صادر می‌کند و این دو کشور از امریکا معافیت گرفته‌اند، در بحث انرژی از امریکا معافیت بگیرند.

این روند (خط لوله) چقدر پیشرفت داشته است؟

این موضوع در جریان است، راه‌دیگر راهکارهای فنی و تکنیکی است که نیاز به کارهای حقوقی و فنی از جانب طرف پاکستانی دارد که مثلاً شیوه سرمایه‌گذاری در خط لوله گاز به چه شکل باشد که مشمول تحریم نباشد، اما در اینکه پاکستان عزم جدی برای کشیدن خط لوله و استفاده از گاز ایران دارد، شکی نیست، چون سالانه چندمیلیارد دلار به نفع اقتصاد پاکستان است. مانع ترانزی امریکادر نهادهای مالی از جمله صندوق بین‌المللی پول هم در این زمینه نقش مهمی دارد. پاکستان هر سال نیاز دارد برای مدیریت بدهی‌های خود با صندوق بین‌المللی پول، همکاری جدی داشته باشد و امریکادر تصمیم‌گیری‌های این نهاد نقش مهمی دارد. پاکستان این ملاحظه را دارد. هر دو کشور مسائل یکدیگر را درک و با توجه به منافع خودشان در راستای حل این مسئله اقدام می‌کنند.

درباره عربستان چطور؟

باید به این نکته در روابط ایران و پاکستان توجه کنیم و آن اینکه هر دو کشوری می‌خواهند از ورود عنصر سوم به روابط جلوگیری کنند. من می‌توانم بگویم که پاکستانی‌ها همیشه تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند بین ایران و عربستان رابطه خوبی وجود داشته باشد و زمانی که دو طرف مشکل داشتند، شخص عمران خان نخست‌وزیر وقت، دو بار تلاش کرد این اختلافات حل شوند، اما به دلایلی موفق نشد. پاکستان بیشترین استقبال را از بهبود روابط ایران و عربستان داشته است. ما به جای رقابت، به چگونگی همکاری بین ایران و عربستان و پاکستان فکر می‌کنیم و این بحث جدی و به نفع هر سه کشور است. اینکه در مقطعی رقابت‌هایی بوده و اقیقت است، اما امروز تفکر حاکم بر ایران و پاکستان اینطور است که چطور می‌توان عرصه‌های همکاری را مورد مطالعه قرار داد.

با توجه به مختصات مناسبات هند و پاکستان، آیا اساساً احداث خط لوله را می‌توان واقع‌بینانه دانست؟

هندی‌ها خود را از این پروژه جدا کرده‌اند. قبلاً قرار بود خط ایران - پاکستان - هند باشد، اما ایران فقط دنبال خط ایران - پاکستان است. در کلان‌اقصیه ممکن است دو کشور رقیب از توسعه در کشور دیگر استقبال کنند ولی اینکه بگویم مانعی مطرح است، موضوعیت ندارد. هم مسیر خط لوله متفاوت است و هم هدف‌گیری متفاوت است و آنچه ما

اگر کسی موقعیت بندر چابهار را درک کند، اصلاً نگاهش عوض می‌شود و کسانی که گوادر را مقابل چابهار می‌دانند، درباره مواصلات تخصصی ندارند، چون بندر گوادر کار ویژه تعریف‌شده‌ای دارد و آن ادامه سبیک است که کریدور اختصاصی چین و پاکستان است، در حالی که چابهار آن، عدم ارتباط بندر - پس‌بند است

اختلاف بود که در این سفر درباره آن توافق کردیم. توافق برای توجه به زبان فارسی در پاکستان هم در این سفر صورت گرفت. بعضی از این توافقات بنیاد سلسله موافقت‌نامه‌ها، یادداشت تفاهم‌هاست که باید اجرائی شوند، برخی هم شروع یک کار هستند. عین همین شرایط را در سرریلانکا هم داشتیم.

توافق‌نامه امنیتی که شما اشاره کردید، آیا به موضوع دیوار مرز هم ربطی دارد؟ به خصوص که قرار است ۳ میلیارد یورو طی پنج سال به این موضوع اختصاص داده شود.

ما این موضوع را در مرز خودمان با افغانستان داریم. دیواری که پاکستان دنبال آن است، هزینه‌اش را این کشور می‌دهد. ما طرح انسداد مرز با افغانستان را به طور جدی پیگیری می‌کنیم. هر کشوری باید امنیت خود را هم در مرزها و هم در داخل تثبیت کند. مرزهای ما با افغانستان به جهت گذرهای غیرقانونی که از جانب اتباع، چه قاچاقچیان باید مدیریت شود و البته این اقدام مخالفانی دارد مثلاً همین قاچاقچیان.

از فنس کشی بین ایران و پاکستان هم اطلاعاتی را در اختیار ما می‌گذارید؟

این موضوع با پاکستان پیگیری می‌کند و ما هم استقبال کردیم. این حصارهای مرزی را هر کشوری که ایجاد می‌کند، داخل خاک خود می‌کشد. در استان سیستان و بلوچستان سال‌ها پیش اشتباهی در ترسیم مرز صورت گرفت. این مورد هم ظاهراً یکی از مسائل جدی مادر مرز با افغانستان است.

بله، این اشتباه صورت گرفت و در فاصله‌ای از صفر مرزی دیواری کشیدند که در برخی نقاط ممکن است ۱۰۰ متر فاصله داشته باشد، ولی وقتی شما ۶۰-۵۰ کیلومتر را در نظر بگیرید، سطح بزرگی را در بر می‌گیرد و گویا به این ترتیب، ۷۰۰ هکتار زمین قابل کشت پشت دیوار افتاده است. در این دیوارها، درهایی را برای تردد کشاورزان گذاشته بودند تا به زمین‌های خودشان سر بزنند. تصور برخی مرزبانان این است که مرز این دیوار است در حالی که اینطور نیست.

درباره پاکستان آیا ما مشکل اینچنینی در خطوط مرزی داریم؟

خیر، در پاکستان ما این مشکل را نداریم و در مواقعی که مسائلی پیش می‌آید، مرزبانان ما باهم در تماس هستند. درباره بندر گوادر و با توجه به اینکه فاصله چندانی با بندر چابهار ندارد و به خصوص با توجه به ناآرامی‌های اخیر، بیش از پیش این موضوع که تلاش می‌شود چابهار در حاشیه قرار بگیرد و تضعیف شود، مطرح شده است.

آیا مثلاً بندر عباس با دویی و عمان تضعیف شده است؟ بندر که شکل بگیرد، خودبه‌خود همکار هستند. بندر چابهار کار ویژه خودش را دارد و بندر گوادر هم کار ویژه خودش را. اگر کسی موقعیت بندر چابهار را درک کند، اصلاً نگاهش عوض

می‌شود. کسانی که این حرف‌ها را می‌زنند، درباره مواصلات تخصصی ندارند. بندر گوادر کار ویژه تعریف‌شده‌ای دارد و آن دامه سبیک است که کریدور اختصاصی چین و پاکستان است که اسم آن کار کردش را هم نشان می‌دهد. برای این است که چینی‌ها در صورت لزوم، خود را از بسته شدن در تنگه مالاکا نجات دهند، گوادر محل تنفسی است برای غرب چین از طریق سبیک و جاده‌ای برای صادرات و واردات و انرژی اما چابهار بحث امروز نیست. در زمینه گسترش روابط ایران و افغانستان یکی از مسائل این بود که افغانستان از طریق راه‌های ایران به بنادر آزاد از جمله چابهار دسترسی داشته باشد. چابهار بندر اقیانوسی عمیقی است که امروزه کشتی‌هایی که بیشترین آبخورد دارند، در این بندر قابل پهلو گرفتن هستند. مثلاً در بندر بمبئی چنین امکانی نیست و هندی‌ها ناچارند کشتی‌ها را به سنگاپور یا مالزی ببرند و یا را وارد کشتی‌های کوچک‌تر کنند تا به کشور خودشان انتقال دهند و اگر چابهار فعال شود، چنین قابلیتی را حتی برای هندی‌ها دارد، ضمن اینکه اگر شما اقیانوس هند را مدنظر قرار دهید، متوجه می‌شوید با سه تنگه بسته می‌شود: تنگه هرمز، تنگه باب‌المندب و تنگه مالاکا. به لحاظ راه‌بردی چابهار اهمیت پیدا می‌کند. این بندر بیرون تنگه هرمز است. چابهار سرمایه ملی ماست. مهم‌ترین مشکل چابهار عدم ارتباط بندر - پس‌بند است. این بندر هنوز فرودگاه مستقل ندارد. این بندر هنوز از لحاظ جاده‌ای و راه‌آهن به دیگر نقاط کشور وصل نیست و ما در حال سرمایه‌گذاری برای ساخت راه‌آهن چابهار - زاهدان هستیم. باید در داخل چابهار سرمایه‌گذاری بزرگی شود تا به کشور متصل شود. اگر بزرگ‌ترین کشتی‌ها وارد چابهار شوند و امکان تخلیه‌نایشان، این اقدام چه سودی دارد؟

مشخصاً در سفر اخیر با طرف پاکستانی درباره بندر چابهار گفت‌وگوئی صورت گرفت؟

یکی از موافقت‌نامه‌هایی که در پاکستان امضا کردیم، یادداشت تفاهم همکاری ایجاد منطقه تجاری ویژه در ریمدان است. اگر بتوانیم در ریمدان این منطقه را تأسیس کنیم، برای هر دو بندر تغذیه اقتصادی فراهم خواهد شد. اگر با سرمایه‌گذاری مشترک با سرمایه‌گذاران خارجی در این منطقه کارخانه‌هایی ایجاد شود، رونق خوبی ایجاد می‌شود. یکی از مشکلات پاکستانی‌ها مسئله امنیت است و خودشان هم این را پذیرفته‌اند. پاکستانی‌ها اعم از شیعه و سنی به زیارت امام (رضاع) علاقه‌مند هستند و می‌توانند از منطقه آن ریمدان تردد کنند. از زمان استقلال پاکستان تا سه سال پیش فقط مرز میرجاوه را داشتیم و از آن موقع تاکنون دو مرز جدید ایجاد کرده‌ایم، یکی از آنها ریمدان است و دیگری پیشین که به دلیل حرف‌های غیرکارشناسی در این زمینه مشکلات فراوانی داشته است. ما فعال شدن مرز ریمدان شما شاهد هستیم که به تعداد زائر اربعین از آن استفاده می‌کنند، اما مشکلات داریم، از جمله اینکه اتوبوس نداریم. اگر خطوط کشتیرانی مسافری بین کراچی، گوادر و چابهار و بصره به راه بیفتند، چه حرکت عظیمی خواهد بود و چند روزی به این مسافران کاهش خواهد یافت. حرف‌های مخالف یا حملات تروریستی برای این است که نمی‌خواهند این منطقه توسعه پیدا کند چراکه بقای تروریست‌ها را به رابطه بد ایران و پاکستان است. در برنامه ما ایجاد شش بازارچه مرزی در فواصل مشترک در دستور کار قرار دارد. که مرز نشینان دو کشور بتوانند باهم مبادله داشته باشند و به این ترتیب قاچاق کاهش یابد.

با توجه به ژئوپلیتیک سرریلانکا و اینکه عرصه رقابت چین و هند و امریکاست، در این سفر چه اقداماتی برای تثبیت موقعیت ایران صورت گرفت؟

سرریلانکا گذشته‌ها برای ما به عنوان ایستگاه صادراتی انرژی مطرح است. ما زمانی یک پالایشگاه در سرریلانکا ساختیم و طرف سرریلانکایی علاقه‌مند است این پالایشگاه مجدداً فعال شود، البته طرف صهیونیست از این موضوع خرسند نیست و این موضوع را به سرریلانکا هم ابلاغ کرده است. یکی از توافقات سفر سرریلانکا، تشکیل کمیسیون مشترک است که در حال انجام کارهای آن هستیم. قرار است وزرای خارجه دو کشور مسئول کمیته‌هایی باشند که تصمیمات گرفته شده را اجرائی کنند.

اگر نکته خاصی مدنظر تان است، بفرمایید.

ما هیچ راهی غیر از پیگیری سیاست همسایگی نداریم. فقط هم مربوط به ما نمی‌شود. چینی‌ها می‌گفتند امریکایی‌ها می‌خواستند از طریق همسایه‌ها ما را محاصره کنند و ما از طریق همسایه‌ها محاصره امریکاراشکتیم. در سفر اخیر، مقامات پاکستانی از آقای رئیسی به دلیل رسیدگی خیلی سریع به تنش‌های پیش‌بین میان دو کشور تشکر کردند. اگر مسائل خودمان با پاکستان را حل نمی‌کردیم، عده‌ای الان روی این زخم نشستند. ما احتمالاً باید با همسایگان بهترین رابطه را داشته باشیم و هر همسایه‌ای حتماً گنج بزرگی است. اگر بدانیم که چطور از آن استفاده کنیم.

